



کن / تهران

مریم اطمینانی

عکس‌ها: سعید فتوحی



باغ‌های کن با طعم گس میوه‌هایش شناخته می‌شود

به رنگ پاییز

نعمت، و چه حسی دارد اینجا، پاییز گویی با ناز قدم بر می‌دارد و از خانه‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد تا برگ‌های روبه زردی در مهر، پاییز را با آبان تجربه کنند، با لباسی از جنس برگ‌هایی به رنگ‌های نارنجی و بنفش و زرد با خرماهای آویزان بر درخت و باغدارانی که صبوری کرده‌اند تا طعم گس خرماها به شیرینی بگرایند و آن‌ها را بچینند و در جعبه بگذارند.

دو سوم ۴۸۰ هکتار باغ کن را خرماها در بر گرفته‌اند. همان میوه‌ای که در جهان با نام «persimmon» شناخته می‌شود و بر ایرانی بودنش صحه می‌گذارد. هر چند که ایران در تولید این محصول رتبه یازدهم جهان را داشته باشد. خرماهای استان‌های البرز و اصفهان و فارس قطعاً رقیب خرماهای کن نمی‌شوند. یکه‌تاز این میدان، خرماهای کن است. خرماهای کن حالا مسکورا هم درنور دیده است و البته به غیر از روسیه میهمان سبدهای میوه عمانی‌ها هم هست.

● پلنگ، پشت در باغ

«جعفر بابایی» اهل کن و محله اسمالون است. پدر و پدراش کشاورز بوده‌اند. او از زمستان‌های سرد کن و خاطرات پدر و پدربزرگش می‌گوید. «مردم در دل کوه‌های اطراف کن زاغه می‌کنند و گوسفندان را در ایام سرما به آنجا می‌بردند اما در بهار وقتی برف‌ها آب می‌شد، دیگر نوبت چراگاه‌های «آزادبر» نزدیک تونل کندوان بود. روستایی سرد و بکر نزدیک تهران- کرج. همه زیبایی‌های کندوان، لواسان و طالقان در این روستا جمع بوده. در مسیر هم رودخانه، آبشار و مرتع فراوان بوده و از نظر پوشش گیاهی نعمت فراوان. گوسفندان را در تابستان به اینجا، سنگان، سولقان و شهرستانک می‌بردند. سه چهار ماه هم زمین‌های شهریار و کرج را اجاره می‌کردند و گوسفندان را به چرای می‌بردند». او می‌گوید: «در کن پیوسته کشاورزی رونق دارد. بهار که آغاز می‌شود گیلان

کارگر بالای درخت می‌گوید: «خرمالوی کن شیرین است مثل قند عسل! همه از تهران برای خرید خرما به اینجا می‌آیند. یک باغ با ۱۵ درخت بزرگ، چند تن خرما می‌دهد». کمتر کوچه‌باغی است که این روزها وانت‌های باری کنارش صف نکشیده باشد، برای بردن جعبه‌های خرما. صدای خنده کودکان از دور به گوش می‌رسد. کودکانی که خرما به دست با شاخه‌ها و برگ‌های طلاییشان افتاده بر زمین بازی می‌کنند.

● کن؛ بستان جنان

اینجا کن است. جایی که در کتاب هفت اقلیم «امین احمد رازی» از بسیاری آب روان و کثرت درختان و میوه‌های الوان مانند بستان جنان آن سخن گفته است. اینجا «کن» است. همان جایی که دکتر «حسین کریمان» در کتاب «قصران» تاریخ آن را بیش از یک هزار سال دانسته است. اما به جز برهه‌های خاص، کن به گله‌های بزرگ و باغ‌های پر رونقش شهره بوده است. اما حالا اتوبان بین مردم و تمام خاطراتشان از توتستان‌ها و باغ اناری‌ها فاصله انداخته است. آب رودخانه سد شده و کمتر در آن رود پرخروش سابق آب دیده می‌شود. باغ‌های زیادی خشک شده‌اند و آپارتمان‌ها جای آن را گرفته‌اند. شهرداری با از بین بردن باغ‌های کن پارک ساحلی ساخته و تنها بخش اندکی از کن باقی مانده؛ بخش اندکی به وسعت ۲۱ روستا و کن کنونی!

● خرماهای کن، یکه‌تاز میدان

کن با پنج محله قدیمی که در زبان محلی به آن‌ها بالون (بالان)، اسمالون (اسماعیلیان)، میونده (میانده)، درقاصی (دارقاصی)، سراسیا (سرآسیاب) گفته می‌شود، حالا همچنان میزبان گردشگرانی است که از هیاهوی شهر گریزانند. گاهی با جشنواره شاه توت، گاهی خرما، گاهی انار. زردآلو، گردو و انجیر و ارگیل کن هم که خواهان خود را دارد. کن است دیگر، وفور

هنوز هم در دل تهران کوچه باغ‌هایی هست که می‌توان عاشقانه‌های شهر را در آنجا دید. جایی که هنوز چنارهایش به پهنای دست چند آدم است. هنوز در محلاتش حسینی و آب انبار و قنات و مسجد و آرامستان وجود دارد و هنوز می‌توان در باغ‌هایش دل به نجوای طبیعت سپرد. کافی است راهی منطقه ه شد، اینجا می‌توان در کوچه پسکوچه‌ها قدم زد و دل به سایه‌سار درختان سربه فلک کشیده و کوچه‌های قدیمی سپرد. به امامزاده‌ها سرزد و دلی سبک کرد و بعد هم راهی کوچه باغ‌های هفت‌رنگ شد. کوچه باغ‌هایی که تا پل تاریخی کن و آن سوی آن ادامه دارند. در روزهای پاییزی آبان ماهی سراغ هر باغی را که بگیری، خرماهای نارنجی لابه‌لای برگ درختان خودنمایی می‌کنند. کارگران روی شاخه‌های درختان مشغول چیدن این میوه راحت‌الحلقوم‌اند و امان از روزی که خرماهایی گس باشد.